



علیرضا محمودی

از ظهور جریان آخرین قهرمان فیلم‌های پر زد و خورد در سینمای ایران بیش از ۴ دهه می‌گذرد. آخرین فیلم اکشن در سینمای ایران (لایه‌های دروغ) بیرون از مرزهای کشور (فلاتند) ساخته شده بود. بازیگر - کارگردان این فیلم رزمی کاری بود که قصد داشت در دل یک داستان که یک آتش‌نشان سابق است پس از دوری ۱۰ ساله به ایران برمی‌گردد تا انتقام بگیرد، در حالی که همه در مطبوعات از حضور این فیلم که بنیاد فارابی شرکت تولیدش را انجام داده بود در بخش مسابقه سینمای ایران شاک می‌بودند، کسی به این پرسش نرسید که سینمای اکشن ایران چرا بعد از بازنشستگی جمشید هاشم‌پور برای همیشه با سینمای اکشن و تولید صحنه‌های پر زد و خورد فاصله گرفت. ساختار چرخه‌ای تولید در سینمای ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید نشدن بسیاری از انواع فیلم دارد. در جریان تولید در سینمای ایران فقط فیلم‌هایی تولید می‌شوند که تداوم فیلم‌های موفق همان دوره باشند. ساخته‌نشدن فیلم‌های اکشن در ۲ دهه اخیر بیشتر محصول بیشتر دیده شدن فیلم‌های کمدی در ساختار تولید تجاری فیلم و فیلم‌های دفاع مقدس در ساختار تولید ارگانی است اما شاید ساخته‌نشدن فیلم‌های اکشن علاوه بر چرخه‌های مسلط، نداشتن بازیگر مناسب برای نقش پر تحرک است. زمانی این فیلم‌ها ساخته می‌شدند که برای حضور در صحنه‌های بگیر و ببند و بز و بکوب، بازیگران ایرانی نیز وجود داشتند که مطابق فیلمنامه مشقت بزنند، لگد پرتاب کنند، خیز بردارند، اسلحه بکشند، به رگبار ببندند، میز و صندلی خرد کنند، یقه بگیرند، کف‌گرگی و کله‌وزانو رو کنند، به هوا بپزند، چاقو پرتاب کنند، شمشیربازی کنند، بر موتور و اسب سوار شوند، با سرعت ماشین برانند، جاکالی بدهند، زیر بگیرند، اسکلوپکا و پشتک و بارو بزنند و در نهایت پوزه دشمن را به خاک بمالند.

قهرمانان این روایت‌ها مردانی بودند که ویژگی جسمانی و رفتاری قابل ذکر داشتند: سیمای جذاب، بازوی تنومند، جوانمردی و خوش‌زبانی. در دورانی که در جریان تولید، بازیگران حتی در صحنه‌های اشک‌انگیز اشک هم نمی‌ریزند، توقع رسیدن به بازیگرانی مناسب برای نقش‌های اکشن توقع بیجایی است. تغییر سنت‌های بازیگری که حتی برای قهرمانان جنگ و جبهه هم دنبال شمایلی واقعی‌تر تا اسطوره‌ای است، یافتن قهرمان برای فیلم‌های اکشن کاری بیهوده است. به قول یک مدیر تولید الان بازیگران همه عواطف شخصیتی را که بازی می‌کنند می‌کشند تا مبادا به بازی زیر پوستی متهم شوند. الان بازار، دست زیر پوستی هاست.



گفت‌وگو با داریوش یاری درباره فیلم شور عاشقی

فیلمی که تن‌ها برای

یک دلیل ساخته شد

هلیا نصیری

«شور عاشقی» سومین ساخته سینمایی داریوش یاری است که پیش از این هم مستند تاریخی کرپلا؛ جغرافیای تاریخ را درباره واقعه عاشورا ساخته بود. یاری در این فیلم سینمایی که بخش عمده آن در کویر فیلمبرداری شده از زنی به نام سلما می‌گوید که رسانه اسرای کرپلاست و در پیشاپیش کاروان حضرت زینب حرکت می‌کند. نگاه سازندگان این فیلم نسبت به مکتب عاشورا نگاهی شاعرانه است. یاری می‌گوید: در فیلم‌های قبلی بانام «دخیل» و «کرپلا؛ جغرافیای یک تاریخ» سعی کردم همین نگاه شاعرانه نیز در این اثر موجود باشد و در «شور عاشقی» جدی‌تر به ماجراهای بعد از واقعه نگاه کنم.

دوست دارم در این فضا پرسه بزنم

داریوش یاری، کارگردان سینما درباره فیلم جدیدش با اشاره به اینکه دوست دارد در این فضا فیلمسازی‌اش را ادامه دهد، می‌گوید: این فیلم در ادامه کارهایی که من در این ژانر و فضا ساخته‌ام است. قبل‌تر هم مستندهای «کرپلا؛ جغرافیای یک تاریخ» و «دخیل» را در همین زمینه خلق کرده‌ام. وی ادامه می‌دهد: «این جهانی است که دوست دارم در آن بازگوشی کنم در این فضا پرسه بزنم و در آسمانش پرواز کنم. راستش دلم می‌خواهد یک وقت‌هایی در خلوت خود بگویم: خوش به حالت کبوتر که رفتی و روی بوم حرم نشستی!»

سینمای ایران نیازمند تمامی ژانرها

یاری در پاسخ به این سؤال که چرا سینمای ایران تنوع ژانری‌اش کم است و معمولاً در هر برهه مدیریتی یک نوع فیلمسازی و توجه به یک ژانر وجود دارد؛ توضیح می‌دهد: «من فیلمساز دنیاییم اینگونه است که به فضای مذهبی بپردازم امیدوارم سینمای ایران بتواند از این ظرفیت متنوع استفاده کند و البته این موضوع با کمک منتقدان اتفاق می‌افتد این‌که نگویند فلان فیلمسازی فیلم دینی می‌سازد و یا... نگاه عمیق و جذاب منتقدان سینمای ایران می‌تواند رنگین‌کمان فیلم‌های ایران را کامل کند. فضایی در سینما ایجاد کند که در سینمای ایران تمام ژانرها از فیلم‌های سیاسی، کمدی، شاعرانه و عاشقانه، دینی و جنگی و... دیده شود.»

چرانی توانیم به همه ژانرها بپردازیم

وی ادامه می‌دهد: «می‌دانم این چه نوع سیستم مدیریتی است که مدیران در هر دوره به یک سمت غش می‌کنند، چرا سعی نمی‌شود در تولیدات و اگران، تمام ژانرها دیده شود. چرا باید به گونه‌ای باشد که فیلمساز را به شکل ناخودآگاه به یک سمت و سوی فیلمسازی سوق بدهند این مسئله توازن را در سینمای ایران به هم می‌زند به همین دلیل مادر حوزه سینمای دینی دچار کم‌کاری شده‌ایم.»

جنگ میان راست و دروغ‌ها

داریوش یاری در ادامه و در پاسخ به این سؤال که چرا به این برهه از واقعه عاشورا پرداخته‌اید؟ توضیح می‌دهد: «خوشبختانه از ابتدا در سینمای ایران و شاید در کشورهای منطقه فیلم‌هایی در این موضوع ساخته شده اما ما بعد از سفیر و روز واقعه و شاید رستاخیز که اگران نشد کاری در باره واقعه عاشورا تولید نکرده بودیم و این برایم وسوسه‌انگیز بود. برای من آنچه مهم بود، زاویه نگاه بعد از واقعه کرپلا بود چرا که آن دوره خیلی شبیه جامعه امروزی است که در آن زیست می‌کنم. اینکه هر روز از خواب بیدار می‌شویم به واسطه رسانه‌های واقعی که فکر می‌کردیم حقیقت است؛ دروغ می‌شود و عکس این نیز وجود دارد. در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که جنگ میان راست‌ها و دروغ‌هاست.

زاویه نگاه در شور عاشقی

آنچه بعد از واقعه مهم بود زاویه نگاه در آن بود که خیلی شبیه شرایط امروز جامعه است که در آن زیست می‌کنم. در آن زمان هم جنگ در کرپلا تمام می‌شود اما مهم مسیری است که اسرار می‌برند و در این مسیر و در شهرهای مردمانی زندگی می‌کنند که حقیقت را نمی‌دانند. حالا یک زن می‌خواهد رسانه بشود و نگذارد جای راست و دروغ در تاریخ عوض شود. وی می‌گوید: «روزی که کار تصویربرداری «شور عاشقی» تمام شد خیلی از دوستان و همکاران می‌آمدند و با هم صحبت می‌کردیم آن‌ها در حرف‌هایشان مشخص بود که با موضوع زیسته‌اند و این زیست به یک تجربه مشترک تبدیل شده است.»



هزاران دلیل برای یاری در ادامه از پروسه تولید «شور عاشقی» می‌گوید و اینکه تولید این فیلم خیلی سخت بود و شاید به هزاران دلیل نباید این فیلم ساخته می‌شد. او می‌گوید: «اما من به یک دلیل «شور عاشقی» را ساختم و آن شور و شعل عاشقی بود که در من و دوستان وجود داشت.»

نساختن فیلم